

محمد علی خان متین کشمیری

هومن یوسفدهی*

محمد علی خان کشمیری متخلص به «متین» از شعرا و تذکره‌نویسان کشمیر در سده ۱۲ قمری بود که معروفترین اثر او تذکره حیات الشعراء است که متأسفانه اکنون نسخه‌ای از آن در دست نیست. آگاهی ما درباره متین کشمیری و حیات الشعراء او اندک است و ظاهراً خود او نیز در حیات الشعراء اطلاعات چندانی از زندگی خویش به دست نداده است. زیرا عبدالوهاب افتخار صاحب تذکره بی‌نظیر (تألیف ۱۱۷۲ ق) که تذکره متین را در اختیار داشته و خوانده، تنها توانسته اطلاعات ذیل را از آن استخراج کند:

”متین محمد علی خان، با اغرخان ترک متخلص به جنگ دیده به سر می‌برد و این اغرخان در آستان فردوس آرامگاه محمد شاه والی دهلی [حک: ۱۱۶۱-۱۱۳۱ ق] به منصب پنجهزاری چهره اعتبار می‌افروخت و به داروغگی گرزبرداران لوای امتیاز می‌افراخت. متین به نام او تذکره الشعراء مسمی به حیات الشعراء تألیف کرده و صاحب طبعان عهد خلد منزل بهادر شاه را تا عصر فردوس آرامگاه محمد شاه به قید تحریر درآورده. همین قدر احوالش از تألیف او مستفاد شد“^۱.

نکته دیگری که از این عبارات دریافت می‌شود، آن است که متین به هنگام نگارش تذکره بی‌نظیر (۱۱۷۲ ق) بدوود حیات گفته بود؛ زیرا همان‌طور که ملاحظه می‌شود، افتخار با فعل ماضی از او یاد کرده و کمی پس از این عبارات هم از دعای «رَحْمَةُ اللَّهِ»

* دانشجوی دکتری ادبیات دانشگاه دهلی، دهلی.

۱. افتخار، تذکره بی‌نظیر، ص ۱۱۳.

برای وی استفاده کرده است^۱ که برای درگذشتگان به کار می‌رود. اما آغرخان که متین حیات‌الشعرا را به نام او تألیف کرده که بود؟

آغرخان یا آغزخان^۲ معروف به آغزخان مغول متخلص به «دیده» از امرای تیموری و پسر کوچک امام قلی آغزخان بزرگ بود و خانواده‌اش اصلاً از ترکمانان بودند. پدرش آغزخان (م: ۱۱۰۲ ق) از امرای عهد شاهجهان (حک: ۱۰۶۸-۱۰۳۷ ق) بود که در دوره اورنگ‌زیب عالمگیر پادشاه (حک: ۱۱۱۸-۱۰۶۸ ق) به منصب چهارهزاری رسید و به شجاعت و سخاوت مشهور بود. آغزخان پسر که اهل شعر و ادب و خوشنویسی بود، پس از درگذشت پدرش در سال ۱۱۰۲ ق، به دریافت عنوان و منصب او نایل شد و کمی بعد در اوایل سلطنت روشن اختر محمد شاه (حک: ۱۱۶۱-۱۱۳۱ ق) به منصب پنجهزاری و داروغگی گرزبرداران نایل آمد و مخاطب به «بهادر ترک جنگ» شد و پس از آن به صوبه‌داری کشمیر منصوب گردید؛ ولی چندی بعد به شاهجهان‌آباد بازگشته و حاکم لاهوری او را در سال ۱۱۵۳ ق در همین شهر ملاقات کرده است. نامبرده عاقبت در حدود ۷۰ سالگی در رمضان ۱۱۶۰ ق در شاهجهان‌آباد درگذشت.^۳ بندر ابن داس خوشگو نیز در سفینه خود که در فاصله ۱۱۳۷ تا ۱۱۴۷ ق نوشته، متذکر شده که آغزخان چندی صوبه‌دار کشمیر بوده^۴ و بنابراین می‌توان گفت که صوبه‌داری آغزخان در کشمیر در فاصله ۱۱۳۱ ق (سال جلوس محمد شاه) و ۱۱۴۷ ق (سال اتمام تألیف

۱. افتخار، تذکره بی‌نظیر، ص ۱۱۳.

۲. بجز در مردم دیده و مآثر الامرا در بقیه تذکره‌ها «آغرخان» با «ر» نوشته و خوانده شده که به نظر حقیر اشتباه است. زیرا آغز (رود خشک)، آغز (فال، شگون)، آغز (زبان) (نک: فرهنگ عمید و لغت‌نامه دهخدا) تناسبی ندارد و همین آغز یا آغز صحیح است؛ زیرا آغز طایفه‌ای از ترکمانان بودند که در شمال دریاچه آرال و حدود مصب رودهای سیحون و جیحون و دشت میان دریای آرال و خزر سکنی داشتند و سپس جمعی از آنان را سامانیان در بلاد شمال ماوراءالنهر جای دادند و سلجوقیان عشیره‌ای از همین قبیله‌اند (لغت‌نامه دهخدا). بنابراین ضبط آغز در مردم دیده که نویسنده‌اش از طریق برادر خود با امیر نامبرده آشنایی داشته و شخصاً او را در ۱۱۵۳ هجری دیده و ملاقات کرده و بیشترین اطلاعات را درباره او داده، صحیح است و انتساب او به ترکمانان هم مؤید آن می‌باشد.

۳. حاکم، مردم دیده، ص ۴-۱۶۳؛ تاریخ محمدی، ص ۱۳۷؛ خوشگو، سفینه خوشگو، ص ۶-۲۵۵؛ همدانی، عقد ثریا، ص ۲۶.

۴. خوشگو، سفینه خوشگو، ص ۶-۲۵۵.

سفینه خوشگو) به وقوع پیوسته و آشنایی و نزدیکی متین کشمیری با نامبرده نیز در همین دوران محقق شده است. البته خوشگو نگارش تذکره الشعراء را هم به آغازخان نسبت داده^۱ که قطعاً نادرست است و احتمالاً منظور او همین تذکره حیات الشعراء است که متین کشمیری به نام آغازخان نوشته و به احتمال زیاد بخشی از اطلاعات آن را از همین آغازخان کسب کرده است.^۲

سه سال پس از عبدالوهاب افتخار، حاکم لاهوری در تذکره مردم دیده که در سال ۱۱۷۵ ق نوشته، به مناسبتی از محمد علی خان متین در ذیل شرح حال استاد خود شاه آفرین لاهوری (م: ۱۱۵۴ ق) یاد کرده است و او را متوطن کشمیر معرفی کرده و نام پدرش را حسام‌الدین نوشته است.^۳

یک سال پس از این، آزاد بلگرامی، عارف و شاعر و تذکره‌نویس نامدار، با آنکه در نگارش تذکره خزانه عامره (تألیف: ۱۱۷۶ ق) از اطلاعات مندرج در حیات الشعراء استفاده کرده؛ متأسفانه تاریخ تألیف آن را ننوشته و به طور مستقل شرح حال متین کشمیری را نیاورده است. با این حال اشارات و یادآوری‌های او مطالبی را درباره متین و حیات الشعراء روشن می‌کند.

آزاد در مقدمه خزانه عامره فهرستی از منابع مورد استفاده خود را معرفی کرده که در ترتیب معرفی آنها تاریخ تألیف را مورد نظر قرار داده است. او در این فهرست نام حیات الشعراء را پس از تذکره همیشه بهار از اخلاص شاهجهان‌آبادی تألیف ۱۱۳۶ ق و قبل از سفینه بی‌خبر از میر عظیم‌الله بیخبر بلگرامی تألیف ۱۱۴۱ ق آورده؛ پس می‌توان نتیجه گرفت که متین حیات الشعراء را در فاصله سال‌های ۱۱۳۶ تا ۱۱۴۱ ق

۱. خوشگو، سفینه خوشگو، ۶-۲۵۵.

۲. استاد گلچین معانی ذیل عنوان تذکره دیده سخن، ضمن نقل مطالب خوشگو، احتمال وجود چنین تذکره‌ای را رد کرده‌اند و آن را ناشی از اشتباه خوشگو دانسته‌اند (گلچین معانی، تاریخ تذکره‌های فارسی، ۱/۲۳۹)؛ ولی معلوم نیست چرا عنوانی را به این تذکره اختصاص داده‌اند.

۳. حاکم، مردم دیده، ص ۲۳.

۴. آزاد، خزانه عامره، ص ۷-۶.

تألیف کرده است و از قضا این تاریخ با تاریخ تقریبی صوبه‌داری آغزخان در کشمیر که پیش از این یاد کردیم، مطابقت دارد.

حاکم لاهوری در تذکره مردم دیده که در سال ۱۱۷۵ ق نوشته، به مناسبتی از محمد علی خان متین در ذیل شرح حال استاد خود شاه آفرین لاهوری (م: ۱۱۵۴ ق) یاد کرده است و او را متوطن کشمیر معرفی کرده و نام پدرش را حسام‌الدین نوشته است.

آزاد همچنین در بخشی از همین کتاب به مناسبت دیگری از متین یاد می‌کند و اطلاعات را درباره او به دست می‌دهد. او می‌نویسد:

”چون شاه درانی در سنه سبع و ستین و ماته و الف [= ۱۱۶۷ ق] عبدالله خان آبشک [= ایشیک] آغاسی را از کابل برای تسخیر کشمیر روانه کرد و او کشمیر را از صوبه‌دار جانب عالمگیر ثانی انتزاع نموده

و عبدالله خان عرف خواجه کچک را با فوجی از افغانه نایب گذاشت، دیوانی را سکجیون مقرر کرد و خود برگشت. بعد چندی سکجیون سردار افغانه را کُشت و خواجه کچک را اول قید کرد [و] سپس از کشمیر برآورد و از عالمگیر ثانی به وساطت عمادالملک وزیر قدری زر فرستاده، فرمان صوبه‌داری به نام خود طلبید و خطبه و سکه به نام عالمگیر ثانی کرد و تمام صوبه را، چه خالصه و چه جاگیرات منصبداران، ضبط نمود. مشارالیه جوان خوشروی متصف به اوصاف شایسته [و] قریب‌الاسلام بود. جمیع مزارات بزرگان و باغات کشمیر را ترمیم نمود و هر روز بعد فراغ از دیوان دوصد کس مسلمین را روبه‌روی خود الوان اطعمه می‌خوراند و در هر ماهی دوازدهم و یازدهم طعام نیاز پخته، به مردم تقسیم می‌نمود. وارد و صادر را، چه درویش و چه غیر آن، در خور حال هر کس مراعاتی می‌کرد و در هر هفته یک‌بار مشاعره مقرر کرده بود. جمیع شعرای کشمیر حاضر می‌شدند... و پنج کس از شعراء نامی را که با هریک از اینها ده کس از مستعدان کمکی معین کرده بود، امر فرمود که تاریخ کشمیر از ابتدای آبادی تا زمان او تحریر نمایند. سرحلقه آن پنج کس محمد توفیق بود که توفیق تخلص می‌کند و نام اصلی او لاله‌جو... دوم محمد علی خان متخلص به «متین» صاحب تذکره حیات‌الشعرا پسر حسام‌الدین خان قوم مغل ساکن کشمیر. در

سلک منصبداران پادشاهی انتظام دارد. میرزا قلندر برادر خورد [= خُرد] متین گاهی «قلندر» و گاهی «قنبر» تخلص می‌کند. صاحب یک لک بیت است. سوم محمد علی ملقب به پنبه. نام دو کس دیگر معلوم نشد.^۱

از مطالب فوق چند نکته درباره متین کشمیری قابل استخراج است:

- نخست آنکه پدر متین حسام‌الدین خان از قوم مغول، ساکن کشمیر و از منصبداران بوده، با این توضیح که در اینجا منظور از قوم مغول ترکمانان و اهالی ترکستان است؛
 - دوم آنکه متین حداقل تا سال ۱۱۶۷ ق در قید حیات بوده و دوران شاه عالمگیر ثانی (حک: ۱۱۶۷-۱۱۷۲ ق) را درک کرده و در آن زمان در زمرة شعرای درگاه سکجیون صوبه‌دار کشمیر قرار داشته؛
 - سوم اینکه نامبرده در این هنگام یکی از پنج شاعر برتر و مطرح کشمیر بوده است؛
 - چهارم اینکه وی از طرف سکجیون صوبه‌دار کشمیر به همراه چهار تن دیگر مأمور نگارش تاریخ کشمیر شده؛
 - پنجم آنکه او برادر کوچکتری به نام میرزا قلندر داشته که متخلص به قلندر و قنبر بوده؛
 - ششم آنکه متین با آغزخان صوبه‌دار قبلی کشمیر هم تبار بوده که احتمالاً این موضوع در نزدیکی آندو بی‌تأثیر نبوده است.
- همچنین با یادآوری این نکته که متین در سال نگارش تذکره بی‌نظیر یعنی سال ۱۱۷۲ ق در قید حیات نبوده، می‌توان گفت که مرگ او مابین سال‌های ۱۱۶۷ تا ۱۱۷۲ ق واقع شده است.

حیات الشعرا

با آنکه حیات الشعرا در زمان خود شهرتی به هم زده و مأخذ تذکره‌های دیگر از جمله تذکره بی‌نظیر، خزانه عامره، گل رعنا، نشتر عشق، نگارستان سخن، اختر تابان

۱. آزاد، خزانه عامره، ۵-۱۱۴.

قرار گرفته؛ ولی متأسفانه نسخه‌ای از آن در دست نیست. موضوع *حیات الشعرا* چنان‌که افتخار و آزاد در تذکرة‌های خود نوشته‌اند، شرح حال شعرای عهد خلدمنزل شاه عالم بهادر شاه (حک: ۱۱۲۴-۱۱۱۹ ق) تا زمان تألیف کتاب در عهد فردوس آرامگاه محمد شاه روشن اختر (حک: ۱۱۶۱-۱۱۳۱ ق) بوده است.

عبدالوهاب افتخار از جمله کسانی است که بخش‌هایی از *حیات الشعرا* را در تذکرة بی‌نظیر (تألیف: ۱۱۷۲ ق) نقل کرده است. از جمله از قول متین کشمیری مطلب ذیل را در مورد شاه آفرین لاهوری آورده است:

”وقتی که [شاه آفرین] یک بیت مؤلف رساله شنید محظوظ و مسرور گردید و تا مدتی ورد خود کرده بود. آن این است:
آلوده دامنی نیست در مشربی که ماییم

ساغر به کف چو تصویر رندیم و پارساییم“^۲

حاکم لاهوری، شاگرد شاه آفرین، در تذکرة مردم دیده این ادعای متین کشمیری را رد می‌کند و می‌نویسد:

”... [متین] این بیت شاه آفرین را به‌اندک تغییر مطلع کرده به‌نام خویش نوشته:

در مشربی که ماییم آلوده دامنی نیست ساغر به کف چو تصویر رندیم و پارساییم
حال آنکه این فقیر سی سال پیش از این بیت مذکوره در دیوان مرحوم [شاه آفرین] دیده و در سخن فهمان لاهور بیت مذکور به‌نام شاه مرحوم اشتهار تمام دارد“^۳.

آزاد نیز در *خزانة عامره* این مطلب را آورده و اظهار نظر کرده که مضمون مورد نظر بلاشک از شاه آفرین است و متین صاحب تصرف^۴. صاحب تذکرة بی‌نظیر همچنین بخش‌هایی از مطالب *حیات الشعرا* را درباره میر عبدالجلیل بلگرامی جدّ مادری آزاد بلگرامی عیناً نقل کرده است:

۱. نقوی، تذکرة نویسی فارسی در هند و پاکستان، ص ۳۹۵، ۴۲۶، ۴۴۳، ۵۱۹، ۶۰۴، ۶۱۹، ۷۱۰؛ نک: گلچین

معانی، تاریخ تذکرة‌های فارسی، ۲۳۹/۱، ۵۱۳، ۴۷/۲، ۳۵۷.

۲. افتخار، تذکرة بی‌نظیر، ص ۱۱۳.

۳. حاکم، مردم دیده، ص ۲۳.

۴. آزاد، *خزانة عامره*، ص ۳۵.

«میر عبدالجلیل] در جمیع علوم صاحب کمال‌اند. بزرگان و عزیزان ایشان را امیر خسرو وقت می‌گویند... میر قصیده در تعزیت غلام خود که در سفر دکن رخت

اقامت بر بست، گفته بودند. یک بیت آن نگاشته می‌شود:

روان شد روح او با قاصد آه
به سر گلدسته آمنت بالله

... نوبتی در لشکر اعظم شاه ایشان

غزلی تصنیف کردند، یک مصراع این بود:

«ریختم شمع به اندازه کاشانه خویش». شاهزاده ایراد گرفت. میر مذکور از لشکر برآمده باز نرفتند!^۱

با آنکه حیات‌الشعرا در زمان خود شهرتی به هم زده و مأخذ تذکره‌های دیگر از جمله تذکره بی‌نظیر، خزانه عامره، گل رعنا، نشتر عشق، نگارستان سخن، اختر تابان قرار گرفته؛ ولی متأسفانه نسخه‌ای از آن در دست نیست.

افتخار در تذکره بی‌نظیر به این جملات متین نیز ایراد گرفته که: اولاً بیت یادشده متعلق به یک مثنوی است و نه از قصیده و ثانیاً میر عبدالجلیل هیچ‌گاه به لشکر اعظم شاه نرفته بود.^۲ آزاد هم در خزانه عامره به این اشتباه متین اشاره کرده و موضوع قهر از اعظم شاه را مربوط به میر محمد زمان سرهندی پدر وجدان سرهندی دانسته است.^۳

استاد گلچین معانی صرفاً با استناد به انتقادات یادشده، اعتبار مطالب حیات‌الشعرا و صلاحیت نویسندگان آن را زیر سؤال برده‌اند؛ در حالی که معدود بودن این ایرادات را می‌توان حمل بر قوت مطالب حیات‌الشعرا کرد و نه ضعف آن. زیرا نویسندگان منتقد با توجه به فضای انتقادی آن دوران که در تذکره‌هایشان منعکس است، اگر ایرادات دیگری هم در این تذکره می‌یافتند، از ذکر آن خودداری نمی‌کردند و حتماً آنها را یادآور می‌شدند. دیگر آن‌که ایراداتی از این دست را در هر تذکره‌ای می‌توان یافت و نمی‌توان آن را به تمامی اطلاعات یک اثر تعمیم داد. علاوه بر این، حیات‌الشعرا بارها

۱. افتخار، تذکره بی‌نظیر، ص ۴-۱۱۳.

۲. همان.

۳. آزاد، خزانه عامره.

۴. گلچین معانی، تاریخ تذکره‌های فارسی، ۴۶۴/۱.

مورد استفاده تذکره‌نویسان دیگر قرار گرفته و نه تنها از منابع تألیف سه تذکره مهم فوق یعنی تذکره بی‌نظیر (تألیف: ۱۱۷۲ ق) اثر عبدالوہاب افتخار، مردم دیده (تألیف:

عبدالوہاب افتخار از
جمله کسانی است که
بخش‌هایی از حیات‌الشعرا
را در تذکره بی‌نظیر
(تألیف: ۱۱۷۲ ق) نقل
کرده است.

۱۱۷۵ ق) اثر حاکم لاهوری و خزانه عامره (تألیف: ۱۱۷۶ ق) اثر آزاد بلگرامی بوده، بلکه در تذکره‌های گل رعنا (تألیف: ۸۲-۱۱۸۱ ق) اثر لچھمی ناراین شفیق اورنگ‌آبادی، نشتر عشق (تألیف: ۱۲۳۳-۱۲۲۴ ق) اثر حسین قلی خان عاشق عظیم‌آبادی، نگارستان سخن (تألیف: ۱۲۹۲ ق) اثر سید

نورالحسن خان، اختر تابان (تألیف: ۱۲۹۸ ق) اثر

ابوالقاسم محتشم هم مورد استفاده قرار گرفته است. این موضوع نشان می‌دهد که این تذکره تا پایان سده ۱۳ قمری یعنی بیش از ۱۵۰ سال مورد استفاده و استناد تذکره‌نویسان بوده است و پس از آن به‌دلایلی که بر ما آشکار نیست، از دسترس خارج شده است.

اشعار متین کشمیری

با آنکه متین شاعری صاحب دیوان بوده؛ اما تذکره‌نویسان هند از اشعار او، جز همان یک بیت که محل نزاع بوده، چیزی نقل نکرده‌اند؛ ولی هم ولایتی‌اش اصلح کشمیری در تذکره شعرای کشمیر که در حدود سال ۱۱۶۱ ق و در زمان حیات متین تألیف کرده، با تعریف و تمجید زیاد از شاعر و بدون درج اطلاعاتی درباره وی، ۳۸ بیت از اشعارش را آورده است.^۱ از قضا اشعار متین هم مانند تذکره‌اش مورد بی‌مهری قرار گرفته است و هاشمی سندیلوی در مخزن‌الغریب (تألیف: ۱۲۱۸ ق) اشعار او را بی‌مزه دانسته است که این اظهار نظر را هم باید بر بداقبالی‌های دیگر متین کشمیری افزود. در

۱. اصلح، تذکره شعرای کشمیر، ص ۹-۳۵۳.

۲. هاشمی سندیلوی، مخزن‌الغریب، ۲۶۴/۵.

اینجا سخن را با درج ابیاتی چند از سروده‌های متین کشمیری به پایان می‌بریم و اظهار امیدواری می‌کنیم که در آینده آثار این شاعر و نویسنده نام‌آشنای سده دوازدهم بار دیگر در دسترس اهل تحقیق قرارگیرد تا از فواید ادبی و تاریخی آن برخوردار گردند.

لشکر خط بر رخ خوبت شبیخون می‌زند در پناه خود نگهدارد خدا حسن تو را

*

ندارد حاجت اصلاح مردم شعر رنگینم

چو تصویری که ضایع می‌شود از دستکاری‌ها

*

بیت ابرویش به‌ماه نو زند ناخن به‌دل سرو از مصراع قدّ او ز پا افتاده است

*

هرگز شود که مرده دلان منکرش شوند لعلت مسیح وقت به‌اعجاز بوسه است

*

وارستگی و رندی و مستی نصیب ما صوم و صلوة و سبحة و مسجد از آن شیخ

*

صبح از روی سراپا عرقت گل می‌چید شام از کاکل مشکین تو سنبل می‌چید

*

بهر قید دل عاشق چه دهی تاب به‌زلف دزد از خانه زنجیر به‌جایی نرود

*

از غم لیلی نگاهی سر به‌صحرا داده‌ایم نام ما پهلوی مجنون ثبت در دفتر کنید

*

تا دمد خط گرد رویش دیده گریان می‌شود

ماه را هرگاه گیرد هاله باران می‌شود

*

از نظر گر بشکنی ای شوخ چشم آینه را خط جوهر بر رخس زخم نمایان می‌شود

*

به‌هیچ‌وجه جدا زان دهان تنگ متین دلم چو غنچه تصویر وا نمی‌گردد

*

به محشر افکنم در کشتگان آن کمر خود را
به این تقریب شاید نام من هم در میان باشد

*

نیست در چشمم کسی روشن کن چشم سخن
ظاهراً این سرمه از خاک صفاهان است و بس

*

بس که تنگ است نکته دهنش دیر فهمیده ایم مضمونش

*

می کند خون در جگر لعل لب عنابی اش می زند پهلو به نور مه قبای آبی اش

*

کس به غیر از موشکافان در نیابد معنی اش پیش مصراع زلف یار ما دانیم و دل

*

بس که سودای سرزلفش مرا دیوانه ساخت صحبت دیوانگان بسیار می خواهد دلم

*

به سان تیغ از ما سرکشی قطعاً نمی آید به راه خاکساری همچو نقش پا زمین گیرم

*

سبز گشتم از خط اما دل به زلفش بسته ام من ز کشمیرم ولی هندوستان می سازدم

منابع

۱. آزاد بلگرامی، میر غلام علی، خزانه عامره (تألیف: ۱۱۷۶ ق)، کانپور ۱۸۷۱ م.
۲. اصلح کشمیری، تذکره شعرای کشمیر، به تصحیح و تحشیه سید حسام الدین راشدی، کراچی، ۱۳۴۶ ش.
۳. افتخار، سید عبدالوہاب، تذکره بی نظیر، به ترتیب و تصحیح سید منصور علی، الہ آباد، ۱۹۴۰ م.
۴. حاکم لاهوری، عبدالحکیم، مردم دیده، به اهتمام دکتر سید عبداللہ، لاهور ۱۳۳۹ ش/ ۱۹۶۱ م.
۵. خوشگو، بندرابن داس، سفینہ خوشگو، به اهتمام سید محمد عطاء الرحمن کاکوی، پتنا، ۱۹۵۹ م.

۶. گلچین معانی، احمد، تاریخ تذکره‌های فارسی، تهران، ۱۳۵۰ ش.
۷. نقوی، دکتر سید علی رضا، تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، تهران، ۱۳۴۳ ش/ ۱۹۶۴ م.
۸. هاشمی سندیلوی، شیخ احمد علی خان، مخزن‌الغرایب، به اهتمام دکتر محمد باقر، اسلام‌آباد، ۱۳۷۲ ش.
۹. همدانی مصحفی، غلام، عقد ثریا (تذکره، تألیف: ۱۱۹۹ ق)، به ترتیب مولوی عبدالحق، اورنگ‌آباد، ۱۹۳۴ م.